**٩٥ - عرفان و محبّت اللّه و نیّت خیر [[1]](#footnote-1)**

و نیز در مفاوضات است قوله الجمیل : به عرفان حق نور محبّت الله در زجاجۀ قلب بر افروزد و اشعّۀ ساطعه‌اش آفاق را روشن نماید و وجود انسان را حیات ملکوتی بخشد وفی الحقیقه نتجه وجود انسانی محبّة الله است و محبّة الله روح حیات است و فیض ابدی است اگر محبّة الله نبود عالم امکان ظلمانی بود اگر محبّت الله نبود قلوب انسان مرده و محروم از احساسات وجدانی بود اگر محبّة الله نبود کمالات عالم انسانی محو و نابود بود اگر محبّة الله نبود ارتباط حقیقی در نشأۀ انسانی نبود اگر محبّة الله نبود اتّحاد روحانی مفقود بود اگر محبّة الله نبود نور وحدت عالم انسانی مخمود بود اگر محبّة الله نبود شرق و غرب مانند دو دلبر دست در آغوش یکدیگر نمی نمود اگر محبّة الله نبود اختلاف و انشقاق بدل به ایتلاف نمیگشت ... و محبت عالم انسانی اشراقی از محبّة الله و جلوۀ از فیض موهبة الله است .

و قوله الجلیل : نیّت خیر اساس اعمال خیریّه است ... نیّت خیریّه نور محض است و از شوائب غرض و مکر و خدعه منزّه و مقدّس ولی ممکن که انسان به ظاهر عمل مبروری مجری دارد ولی مبنی بر اغراض نفسانی باشد ... اما نیّت خیریّه مقدّس ازین شوائب ... باری بعد از عرفان الهی و ظهور محبّة الله و حصول انجذاب وجدانی و نیّت خیریّه اعمال مبرورة تامّ و کامل است والّا هر چند اعمال خیریّه ممدوح است ولی بدون آنکه مستند به عرفان الهی و محبّت ربّانی و نیّت صادقه باشد ناقص است .

و از حضرت بهاءالله در لوحی است قوله الاعلی : اگر عباد رشحی از محبّت الهی را ذوق نموده بودند واللّه در بیت‌ها مقر نمی گرفتند بلکه در کوهها ناله مینمودند این است که کل مشغول به حکمت شده‌اند یعنی به آنچه سبب حفظ نفس امّاره میشود اگر قطرۀ از کأس محبّة الله میاشامیدند البته صد هزار حکمت را بنار میسوختند .

1. فی القرآن المجید : کبر مقتاً عند اللّه ان تقولوا ما لا تفعلون . روی عن النبی ص : انّه قال مررت لیلة اسری بی‌ بقوم تقرض شفاههم بمقاریضٍ من نار فقلت مَن انتم فقالوا کنّا نأمر بالخیر و لا نأیته و ننهی عن الشّر و نأتیه . و عن عمر بن خطاب قال سمعت رسول اللّه ص یقول : انّما الاعمال بالنّیات و انّما لکلّ امرءٍ ما نُوی فمن کانت هجرته الی الدّنیا یصیبها او الی امراة ینکحها فهجرته الی ما هاجر الیه . رواه اَلبخاری و مسلم و غیر هما و فی روایة زیادة . فمن کانت هجرته الی اللّه و رسوله ثم عقّبها بالجملة الاخیرة و فی الحدیث نیّة المؤمن خیر من عمله . در علم کلام راجع به اصول عقاید اسلامیّه در حقیقت ایمان که آیا همان معرفت است و یا مجرّد اقرار و اعتراف و ایا اقرار بشرط معرفت و یا تصدیق بما جاء به النبی ص مطلقا و یا بشطریّت و یا بشرطیت اقرار و اعتراف اقوالی است و نیز معتزله ایمان را واجب عقلی و عقل را مدرک حسن ایمان و قبح کفر و مدرک حسن اشیاء و احکام صالحه برای ناس گفتند و اشاعره و غیر هم طریق امور مذکوره را شرع دانستند و ابوحنیفه ایمان را قابل زیاده و نقصان و شافعیه غیر قابل آن گفتند و ابوحنیفه عمل را از ایمان شمرده ولی شافعی و احمد بن حنبل ایمان را مجموع تصدیق به جنان و اقرار بلسان و عمل به ارکان گفتند و خوارج اتیان به معصیت صغیره یا کبیره را موجب کفر گفتند و معتزله عاصی به معصیت کبیره را فاسق و به منزلۀ بین المنزلتین نه مؤمن و نه کافر خواندند . [↑](#footnote-ref-1)